

گفت‌وگوی «جوان» با زه‌ره طبیب‌زاده، فعال سیاسی انقلابی

اصلاحات در باره حضور سیاسی زنان فقط شعار می‌دهد

شوربختانه آقایان در حال تغییر شورای فرهنگی – اجتماعی زنان هستند



گفت‌وگو

کبری آسویار

فعالیت سیاسی زنان در ایران موضوع گفت‌وگوی ما با دکتر زه‌ره طبیب‌زاده‌نوری است؛ موضوعی که همواره چالش‌های خاص خود را دارد. برخی زن را فقط در خانه می‌پسندند و برخی چنان او را فعال اجتماعی می‌خواهند که هیچ از نقش زن در خانه و خانواده باقی نمی‌ماند. با او از نقش آفرینی سیاسی زنان در اسلام و ایران پرسیدیم و شنیدیم، از کنشگری سیاسی زنان خاندان پیامبر(ص) تا فعالیت سیاسی زنان انقلابی ایران، او خود فعالیت سیاسی را از نوجوانی و با حضور در فعالیت‌های سیاسی – مبارزاتی مسجدها جاوید که محل استقرار فعالیت‌های سیاسی شهید دکتر محمد مفتوح بود، آغاز می‌کند. پای زه‌ره طبیب‌زاده به این مسجد البته از طریق خواهر بزرگ‌تر و نواز داماد خانواده که هر دو فعال سیاسی علیه پهلوی بودند، باز می‌شود. در همان نوجوانی با محبویه دانش (از شهدای ۱۷ شهریور در میدان ژاله) آشنا و دوست می‌شود و می‌شود و درس خود را از سماال دوم در دانشگاه شهید بهشتی تهران ادامه می‌دهد. او سپس در رشته جراحی لثه موفق به اخذ دانشنامه تخصصی می‌شود و بعد از آن توسط رئیس جمهور در دولت نهم به عنوان مشاور امور بانوان و رئیس مرکز امور زنان و خانواده انتخاب و اینگونه به طور رسمی وارد حضور در عرصه رشته دندانپزشکی، فعالیت‌های سیاسی او در قالب فعالیت‌های دانشجویی بی‌ی گرفته می‌شود و فعالیت او در دفتر تحکیم وحدت، چنان عمیق و گسترده می‌شود که از سال ۵۹ به تهران منتقل می‌شود و درس خود را از سماال دوم در دانشگاه شهید بهشتی تهران ادامه می‌دهد. او سپس در رشته جراحی لثه موفق به اخذ دانشنامه تخصصی می‌شود و بعد از آن توسط رئیس جمهور در دولت نهم به عنوان مشاور امور بانوان و رئیس مرکز امور زنان و خانواده انتخاب و اینگونه به طور رسمی وارد حضور در عرصه کلان و مدیریتی سیاست می‌شود. ریاست دانشکده دندانپزشکی دانشگاه شهید بهشتی سمت بعدی اوست، سپس در انتخابات مجلس نهم کاندیدای مشترک هر دو لیست اصولگرایان و با رأی مردم تهران وارد مجلس می‌شود. بعد از اتمام دوره نمايندگی مجدد به دانشگاه شهید بهشتی برمی‌گردد و مدت کوتاهی هم رئیس دانشکده دندانپزشکی دانشگاه شهید می‌شود. او هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است. وی در سال ۵۵ دوران فعالیت می‌کند و دو فرزند دختر و پسر دارد. گفت‌وگوی ما با دکتر طبیب‌زاده را بخوانید.

■ ■ ■

سیاست را مردانه می‌بینید یا زنانه؟ به نظر می‌رسد علاقه زنان به سیاست کمتر از مردان است. این را از باب بیشتر بودن تعداد فعالان سیاسی آقا می‌گویم.
خداوند انسان را بر اساس فطرت الهی آفرید و فطرت الهی واجد یکسری پدیده‌ها و نیاید‌های ثابت و لا‌تغییر اخلاقی است. صفات بارز انبیا‌تی در بشر شامل عدالت‌طلبی، ترحم بر انسان‌های ضعیف و تحت‌ظلم، به دنبال آن غیرت و انگیزه حمایت از ضعیف و افراد تحت ستم، دگر خواهی و کمک به همنوع، حتی در مواردی که لزوماً فرد ظلمی واقع نشده، ولی تفاوت‌های طبیعی و خلقتی، وجه فرودستی او شده و نیاز به کمک فرد توانمندتر از خود دارد و انما‌لهای می‌شود که وجوه مثبت اخلاقیات انسانی است. در مقابل صفات بارز سلبی مثل ظلم و ستم، ظلم و ستمگر، حرص و آزمندی، خودخواهی و ندیدن همنوع جزو صفات مذموم اخلاق انسانی است. این دو دسته از صفات در فطرت همه آحاد بشری وجود دارد. ممکن است به وسیله سیطره ذرایل اخلاقی در نتیجه غوطه‌ور شدن در زندگی غریزی وجه سلبی و منفی خصایص اخلاقی در برخی افراد و جوامع غلبه پیدا کند و جوامع را به سمت بی‌قنوتی در قبال بی‌عدالتی بکشاند ولی حتی انسان غریبی هم بر اساس فطرت، اگر خودش را از قید بند تهاجم و فضا سازی رسانه‌ای و تبلیغاتی صاحبان ثروت و قدرت رهایی بخشد، از بی‌عدالتی اعلام انزجار و با مستضعف اعلام همدردی و حمایت می‌کند و به یک تعبیری یک فرد سیاسی می‌شود.

مصادیق بارز این موضوع را در حرکات‌ها و جنبش‌های مردمی علیه جرج فلوید در آمریکا و اروپا در سال‌های اخیر شاهد بودیم که به رغم وجود همه‌گیری کرونا برای اعتراض به بی‌عدالتی سرمایه‌داران و زورگویان معتقد به تبعیض نژادی حاکم بر آمریکا، به خیابان‌ها ریختند و به تظاهرات میلیونی مبادرت کردند. چه کسی فکر می‌کرد جوانانی که سال‌ها غرق در فساد و غرایز جنسی و مباران تبلیغاتی در غرب بوده‌اند، اینگونه به بهانه قتل یک رنگین پوست، به خیابان بریزند و به رغم برخورد قساوت‌آمیز پلیس آمریکا و اروپا خود را در معرض شدیدترین ضرب و ستمت آنها قرار دهند و ندای عدالت‌خواهان سر بدهند؟ لذا حضور سیاسی، یعنی حضور و مشارکت در تعیین نحوه اداره جامعه، ریشه در فطرت انسانی دارد و زن و مرد و جنسیت هم نمی‌شناسد. هر چند نفع‌ده و انگیزه مردان به دلیل حضور و درگیری عمیق و تنگنا‌ها با مسائل اجتماعی بیشتر از زنان است، لذا به نظر علاقه‌مندتر به سیاست می‌رسند.

در تاریخ اسلام و توصیه‌های بزرگان دینی ما الگوی زن مسلمان حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س)

معرفی می‌شوند. به نظر شما، این دو بزرگوار چقدر سیاسی بودند؟

از دیدگاه اسلام، پاسخ به ندای فطری عدالت‌خواهی و سایر صفات مثبت و ذرایل اخلاقی در نهاد مرد و زن بدون هیچ تبعیض جنسیتی وجود دارد و بروز آن مخصوص جنسیت خاص نیست. فقط نقش‌ها و کنش‌ها بر اساس جنسیت متفاوت است.

پس از آشکار شدن نبوت در جهت نشر این افکار سیاسی عدالت‌خواهانه، حضرت خدیجه(س) به عنوان یک بازوی محکم اقتصادی و یک همراه ثابت قدم به عنوان اولین زن به حوزه سیاست پا می‌نهد و تا آخرین لحظات حیات در خدمت این انقلاب و آرمان الهی می‌ماند.

پس از ایشان دختر دلیندش حضرت فاطمه(س) در تمام سال‌ها در کنار پدر و انقلاب نبوی در جای‌جای این حرکت نقش پررنگی دارد، چه در تحکیم حکومت نوپای دینی در کنار پدر و همسر در مدینه و چه پس از ایشان، در احقاق حقوق ولایت محقه جانشین او حضرت علی(ع) در زمان غصب ولایت. سرنوشت جامعه دینی برای حضرت زهرا(س) در اولویت است، حضور ایشان در خانه تک‌تک مهاجران و انصار و یادآوری جریان غدیر به فراموشکاران و کسانی که خود را به عمد به فراموشی زده‌اند، پیامگر افشاکاری سیاسی ایشان است. آدای خطبه تاریخی ایشان در مسجد به نفع ولایت‌ولی برحق‌واچ کنشگری سیاسی ایشان در آن مقطع تاریخی است. اساساً نحوه شهادت ایشان در دفاع از ولایت، سیاسی‌ترین شکل مرگ یک مبارز انقلابی است. او می‌توانست در پستوی خانه بنشیند و کاری به امر نهاده‌ها حکومت و جامعه دینی نداشته باشد، طبعاً جراحی‌تی هم متحمل نمی‌شد.

ما در تاریخ قبل از اسلام هم شهادت‌آسیه همسر فرعون را در راه مبارزه با طاغوت داریم. شهادت سیمیه در صدر اسلام و در تداوم آن شهادت بانو حضرت زهرا(س) دال بر یکی از سیاسی‌ترین فقدان‌های انقلابیون در تاریخ اسلام است، حتی مخفی بودن مزار آن حضرت دفن شبانه پیکر مطهر ایشان یک مبارزه منفی میخاست و یک کنش آگاهی بخش اجتماعی در اعتراض به وضع سیاسی موجود در آن دوران بوده است.

حضور حضرت زینب(س) و زنان و کودکان در واقعه کربلا‌اوج شکوفایی حرکت سیاسی و اجتماعی زن در صدر اسلام است. این قیام می‌توانست کاملاً مردانه باشد و پس از استقرار حکومت در کوفه، زنان و کودکان به کاروان امام حسین(ع) ملحق شوند و چنانچه جنگی روی داده، زن و کودکی در میدان نباشند اما این طراحی برای همراهی، نقش آفرینی بارز زنان در مبارزات اجتماعی است.

صبر بر شهادت‌ها، صحنه جنگ، نقش آفرینی همسر زهیر، مادر وهب و وقایع دوران اسارت و غارت خیمه‌ها و وقایع شام و خواندن خطبه‌های غرا و سرپرستی کاروان اسیران قیقان حضرت زینب(س) چهره سیاسی‌ترین زن تاریخ بشری را خلق نموده است. زنده نگه داشتن وقایع کربلا یک کنش و اقدام سیاسی است که به همت این بانوی جلیل‌القدر رقم زده شد و به عنوان یک الگوی حرکت فعلی زنان در انقلاب اسلامی در ایران، یمن، و فلسطین درآمده است. اینجا می‌توانیم نقش امام حسین(ع) را هم در میدان دادن به زنان ببینیم. بله، می‌شد که این قیام کاملاً مردانه باشد، اما خود امام نتخواستند این اتفاق بیفتد.

من تعمداً عبارت طراحی را به کار می‌برم و منظوم نقش امام حسین(ع) در این طراحی برای به میدان آوردن زنان در قیام بود، اما نخواستم بحث خیلی طولانی شود که از حوصله مخاطب فراتر برود. طراحی بردن زن به صحنه جنگ نشان‌دهنده دیدگاه اسلام و رهبران اسلام بر سیاسی بودن حضور اجتماعی زن است.

در عصر کنونی هم زنان ایرانی نقش پررنگی در سیاست داشته‌اند؛ چه مثبت و چه منفی. ما فعالان سیاسی زن را داشته‌ایم که علیه حکومت پهلوی مبارزه می‌کردند و آن طرف زنان گذر تمدنی را در دربار پهلوی داشته‌ایم، مثل اشرف پهلوی. در مورد حضور زنان ایرانی معاصر در سیاست و نقش زنان ایرانی در بزنگاه‌های سیاسی توضیح بفرمایید.

در دوران معاصر، زن ایرانی با لگو گرفتن از اسوه‌هایی که از صدر اسلام ذکر شد، افرادی همچون خانم مرضیه دیباغ را داریم که با تاسی به حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) مبارزات علیه نظام ستمشاهی را آغاز و زنان‌ها و شکنجه‌های مختلف ساواک را تحمل می‌کند و همسران مردان مبارز که من لازم است به نقش این زنان اشاره کنم. همسران مبارزانی همچون شهید لاجوردی، شهید مفتوح و شهید رجایی که از نزدیک با زندگی برخی از آنها آشنایی داشتم، در فقدان مداوم همسر در نتیجه مبارزات سیاسی بار سرپرستی و حمایت روانی خانواده‌ها را به دوش می‌گیرند.

در بعد دیگر، زنان در راهپیمایی‌های پرخطر ابتدای شروع انقلاب اسلامی هیچ تفکیک جنسیتی را قابل نیستند و با به پای مردان در تظاهرات شرکت می‌کنند و خون زن و مرد در میدان شهدا به

زمین ریخته می‌شود. پس از استقرار جمهوری اسلامی در ایران در راهپیمایی‌های تحکیم نظام، در حضور پهای صندوق‌های رأی که یک حضور کاملاً سیاسی است، زنان در کنار مردان حضور جدی و تعیین کننده داشته و دارند. در دوران جنگ تحمیلی صبر و تشویق به اعزام همسر و فرزندان برای حفظ تمامیت ارضی و بقای انقلاب و پشتیبانی کامل صحنه‌های جنگ، نشانگر در صحنه بودن سیاسی زن مسلمان ایرانی است. در طول فتنه‌هایی که در سال‌های ۷۸ و ۸۸ می‌گذشت، حضور زنان انقلاب را تهدید کرده، باز هم زنان در راهپیمایی‌های تحکیم نظام و افشای جریان فتنه و یکسره کردن و جمع کردن بساط فتنه‌گران حضور تعیین کننده‌ای داشته‌اند.

در وقایع سوریه و بیعت حضور مدافعان حرم که شاید بسیاری تصور می‌کردند دیگر باب شهادت بسته شده و آرام خانواده شهدا دیگر تکرار نخواهد شد، شاهد بودیم که همسران دهه شصتی و هفتادی مدافعان حرم نه تنها مانع حضور آنان در جبهه‌های نبرد نشدند، بلکه زخم‌زبان‌ها و کتابه‌ها را هم به جان خریدند و برای حفظ کبان انقلاب غم و اندوه فرزندان کوچک خود را در فقدان پدر همچنان بر دوش خود حمل می‌کنند.

البته در ابعاد منفی هم زنان نقش چشمگیری دارند. حضور امثال فائزه هاشمی، مسیح علی‌نژاد و فرار بیان خراج از کشور در نقش آفرینی علیه نظام بر کسی پوشیده نیست، چه رسد به زنان، چون اشرف پهلوی خودش یک ماجرای طولانی است. او که خواهر دولولی شاه بود، یکی از ارکان فساد در حکومت پهلوی است، مثلاً قاچاق مواد مخدر در زمان پهلوی به فرامدگی اشرف با گرفت و قوام پیدا کرد یا در مسائل سیاسی نقشی تعیین کننده داشت.

اما من می‌خواهم یک نکته‌ای بگویم و این آنکه او و سایر زنانی که حضور داشتند، مثل فرخ‌و و پارسا (ولین وزیر زن) یا حتی فرح دیبا، نقش اساسی نداشتند، چراکه ماهیت مردان سیاسی آن زمان هم ماهیت قدرتمندی نبود، چه رسد به زنان، چون مجری سیاست‌های امریکابودند و در واقع کل حکومت وابسته بود.

در واقع می‌شود گفت که زنان یک و بترین برای کار اهداف سیاسی بودند، چنانچه در زمان کنونی هم در جریان اصلاح‌طلب، حضور پر سر و صدای موضوع زنان را در مواضع می‌بینیم، اما در عین حال خود به ما میدان داده نمی‌شود. چنانچه مثلاً وزیر زن یا شهردار زن بر برای تهران نداشتند. از طرفی به نظر می‌رسد در ایران فضای سیاست بیشتر مردانه است. شاید از این رو که مناصب سیاسی بیشتر در اختیار مردان است و با فعالیت سیاسی الزاماً همراه با گرفتن سمت سیاسی است؟

آنچه عرض کردم، بخش‌های مثبت حضور سیاسی زنان در عرصه عام جامعه و نقش آفرینی سیاسی آنان در کشور است. این حضور که



نقش آفرینی و اثرگذاری در عرصه‌های کلان سیاسی در کشور به نظر من کاملاً مردانه است، هر چند این امر تا حدود زیادی اجتناب‌ناپذیر است، به دلیل تقسیم کار و مسئولیت‌های خاص بیولوژیک زنان و ماهیت بسیار زمانبر حضور در عرصه‌های کلان سیاسی، حضور کم‌رنگ‌تر زنان قابل توجیه و امری طبیعی است

در جای خود اثری تعیین کننده دارد، لازم است، ولی کافی نیست. حرکت سیاسی در جامعه احتیاج به پیشگمان و سردمداران نیروهای خط مقدم دارد. در اینجاست که فضای سیاسی کشور را بیشتر مردانه می‌دانم.

نقش آفرینی و اثرگذاری در عرصه‌های کلان سیاسی در کشور به نظر من کاملاً مردانه است، هر چند این امر تا حدود زیادی اجتناب‌ناپذیر است، به دلیل تقسیم کار و مسئولیت‌های خاص بیولوژیک زنان و ماهیت بسیار زمانبر حضور در عرصه‌های کلان سیاسی، حضور کم‌رنگ‌تر زنان قابل توجیه و امری طبیعی است. شما حتی در کشورهای غربی که فریادهای فمینیستی شان گوش فلک را کر کرده است، می‌بینید سهمیه انتخاباتی و تعیین درصد حضور زنان از محدوده مجالس قانونگذاری به اعضای کابینه دولت هم رسیده است. از سویی در طول سده اخیر جز معدود زنانی همچون تاجر، مرکل، هیلاری کلینتون، کاندولیا رایس که از عددگشتان دو دست تجاوز نمی‌کنند، در حد صدر اعظم و وزیر امور خارج نمی‌بینید.

در منطقه غرب آسیا هم شاید فقط بتوان به مر حوم بی نظیر بوتو اشاره کرد و نمونه دیگری نیست

یک خانمی هم در مقام رئیس جمهور بنگلادش بود که مذهبی هم بود. نتیجه اینکه این چیزی نیست که خاص ایران باشد. در غرب هم چیزی به نام تساوی جنسیتی به مفهوم دقیق آن وجود ندارد. ما در ایران ادعای تساوی جنسیتی در عرصه کلان سیاسی نداریم، ولی متأسفانه از حضور زنان استفاده مطلوب نمی‌شود.

بارها گفته‌ام به دلایل زیادی معتقد به وزارت زنان نیستم. استدلال بنده این است که زنان مسابقه حضور در عرصه‌های میانی مدیریتی را نداشته‌اند که با پیچ و خم‌های کار دستگامی اجرایی آشنا شده باشند و بتوانند در عرصه کلان‌تر وزارت به صورت بهینه نقش آفرینی کنند، ولی با انتخاب‌هایی که در دولت اخیر صورت گرفت، به این نتیجه رسیدم که برای آقایان تصمیم‌گیر نه تنها داشتن سابقه مدیریت میانی در دستگانه‌های اجرایی تعیین کننده نیست، بلکه داشتن تخصص مرتبط هم خیلی ضروری به نظر نمی‌رسد. اگر این قید که به نظر من بسیار ضروری است، در انتخاب مدیران لحاظ نشود، دیگر فرقی بین جنسیت‌ها در مناصب کلان اجرایی نباید وجود داشته باشد.

جنسیت‌ها در مناصب کلان اجرایی نباید وجود داشته باشد. باید تأکید کنم که فعالیت سیاسی در عرصه کلان کشور الزاماً نیازمند اخذ سمت سیاسی است. در سمت سیاسی، وزارت و کالت و رئیس سازمان‌هاست که شما قدرت تأثیرگذاری در اشل کلان در اجرا خواهید داشت. شما اگر پست سیاسی نداشته باشید، قوی‌ترین مرد به لحاظ نظری و عملی هم باشید، هیچ اثر تعیین کننده‌ای در تصمیمات کلان جامعه نخواهید داشت و نظرات شما در حد حرف و سخنرانی باقی خواهد ماند و کاملاً نادیده گرفته می‌شود و قابلیت تحقق پیدا نمی‌کند. شما ببینید از تعداد بیش از ۲۹۰ نامیده چند درصد را خانم تشکیل می‌دهند. در تهران یا ترحم به زنان، همواره فقط پنج نفر از زنان در لیست قرار می‌گیرند، در استان‌های دیگر که وضع بدتر از آن است.

در شورای عالی انقلاب فرهنگی تنها معاونت رئیس جمهور و رئیس شورای فرهنگی – اجتماعی زنان حضور داشته‌اند و اخیراً شنیدم‌ام زمره‌هایی وجود دارد که درصدد حذف معاونت امور زنان از اعضای هیئت‌توقاری عالی انقلاب بودند. همچنین تغییرات اساسی در شورای فرهنگی – اجتماعی زنان هستند.

در هیئت دولت هم همین‌طور است. تنها معاونت امور زنان ریاست محترم جمهور حضور دارند در سایر شورا‌های عالی و مجامع هم وضع بر همین منوال است. مثلاً در مجمع تشخیص مصلحت هیچ زنی حضور ندارد، لذا فکر می‌کنم در عرصه‌های کلان سیاسی خانم‌ها حضور بسیار کم‌رنگی دارند. در حالی که برخی از آنها نه تنها از مردان به لحاظ شناختی و ادراکی از مسائل کشور کمتر نیستند بلکه حداقل در امور نسبی از احاد جامعه از مردان مطلع‌ترند، لذا به نظر من باید سهم پررنگ‌تری در تصمیمات کلان کشور داشته باشند.

چرا در فضای عمومی اصلاح‌طلبان بیشتر از سایر جریان‌ات سیاسی مدافع حقوق زنان قلمداد می‌شوند؟ به نظر می‌رسد تریبون‌دار حقوق زنان جریان اصلاحات است. در حالی که در قانونگذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها به نفع زنان، نقش جریان اصولگرا پررنگ‌تر است.

متأسفانه القایی که شده، همین طور است اما در مورد حقوق زنان به صورت عام اصلا این مطلب را قبول ندارم. جریان اصلاحات به استیفای حقوق محقه زنان براساس تعالیم شرع نمی‌پردازد، آنان در مورد حضور زنان در عرصه کلان سیاسی هم فقط شعار می‌دهند، وقتی هر جریانی شعاری را سر دهد، آن شعار را مال خود کرده است.

شوربختانه اخیراً شنیدم که آقایان در حال تغییر شورای فرهنگی – اجتماعی زنان هستند، به رغم انتقاداتی که به ساختار شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجموعه‌های تابعه وجود دارد، اتفاقاً در اکثر سال‌های اخیر، جریان غالب مدیریت شورای فرهنگی – اجتماعی زنان در اختیار طیف دلسوز انقلاب بود. اگر این افراد حضور نداشتند، کنوانسیون رفق تبعیض از زنان در دولت اصلاحات، سند ۲۰۳۰، معاهده حقوق کودک در دولت اعتدال، با تمامی عوارض منفی و مغایر دینی، بدون اطلاع احاد جامعه بدون هیچ ترمز و مانعی، در کشور به صورت وسیع پیاده می‌شد. حضور این مسئولان بصیر و انقلابی در شورای فرهنگی اجتماعی زنان و فعالیت‌های پژوهشی بسیار ارزشمند دبیرخانه این شورا، دست‌های نفوذ پشت پرده این استان‌بین المللی در حوزه زنان در ایران را بر ملا ساخت و انتقال آن به مقام معظم رهبری جلوی اجرای سند ۲۰۳۰ را گرفت.

حالا به جای خسته نباشید و قدردانی از این اقدامات، کمر به تغییرات اساسی در این مجموعه بسته‌اند که نمی‌دانم با چه استدلالی این اقدام صورت گرفته است. نقدهای موجود بر شورای فرهنگی – اجتماعی زنان به طریق اولی ابتدا متوجه خود شورای عالی انقلاب فرهنگی است که اسناد بسیاری توسط زیرمجموعه‌های تهیه می‌شود، ولی به دلیل سلاقی دولت‌ها به دست فراموشی سپرده شده و حتی چنانچه ابلاغ شده، نظارت و پیگیری اجرای آن صورت نمی‌گیرد. نقد در درجه اول به خود شورا برمی‌گردد که به خواست و سلیقه رئیس جمهور وابسته است. وقتی سکان اجرایی کشور در دست هر جناح سیاسی باشد، شورای عالی انقلاب فرهنگی به سمت اداره‌مان جناح حرکت می‌کند، زیرمجموعه‌ها تابعی از آن خواهند بود، لذا همواره یک حرکت زیگزاگی در کل امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور متناسب با سلاقی جناح‌های سیاسی کشور وجود دارد، بنابراین اگر نقدی وجود دارد، الزاماً متوجه زیرمجموعه نیست. باید ضعف‌ها را در ساختارها جست‌وجو و اصلاح کرد.

گفت‌وگو



معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با «جوان»:

قوانین حمایتی از مادران شاغل در بخش خصوصی شمشیر دو لبه است

زهرا چیدری

انقلاب اسلامی ایران فرصتی بی‌بدیل را برای رشد و ارتقا در اختیار زنان قرار داد. حالا زنان ما در میادین مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و علمی فعالیتند و به اوج قله‌های پیشرفت و تعالی رسیده‌اند. این رشد و تعالی و نقش آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی اما گاهی وقت‌ها زنان را بر سر دو راهی برقراری توازن میان نقش‌های مادری و همسری قرار می‌دهد؛ مسئله‌ای که می‌طلبد تا ساختارهای کشور و سیستم نظام اشتغال در کشور برای استفاده از ظرفیت و توان بانوان و همچنین کمک به نقش آفرینی آنها در نقش‌های ذاتی خود یعنی مادری و همسری تغییراتی یابد و به روز رسانی شود. اما این به روزرسانی و باز آرای بی ساختارهای شغلی بانوان از یک طرف نیازمند فرهنگ‌سازی است و از سوی دیگر به بسترسازی قانونی نیاز دارد و این مهم‌با طر ح لوایحی از سوی دولت و همچنین طرح‌هایی از سوی مجلس شورای اسلامی امکانپذیر خواهد بود. در این زمینه معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور نقش مهمی در احصای چالش‌های حوزه زنان و خانواده و طراحی چنین لوایحی ایفا می‌کند. به سراغ انسیه خزه علی، معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهور رفته‌ایم و در رابطه با برنامه‌های این معاونت در راستای رفع برخی نغدغه‌های زنان از جمله بحث‌های مرتبط با اشتغال بانوان با او به گفت‌وگو نشستیم.

خانم دکتر خزه علی همان‌طور که می‌دانید امروز در صد بالایی از بانوان به برکت انقلاب اسلامی دارای تحصیلات عالییه و عملکرد است اما با تغییر سیاست‌ها جمعیتی کشور و هر علت به سمت تشویق خانوادها به داشتن فرزند بیشتر، مصادران شاغل برای مدیریت خانواده و ایفای نقش مادری در کنار انجام مسئولیت‌های شغلی و اجتماعی خود دچار چالش‌های جدی می‌شوند، به خصوص اینکه بسیاری از امتیازات و مسائلی همچون دور کار شامل حال زنان شاغل در بخش دولتی می‌شود و خانم‌های شاغل در بخش خصوصی به‌رغم تعداد بیشتر از این مزایا بر خوردار نیستند و همه چیز منوط به توافق با کارفرماست. شما برای حل این معضل و حمایت از مادران شاغل در بخش خصوصی چه برنامه‌ای دارید؟

بله، این مشکل را داریم و فعلاً از بخش دولتی شروع کرده‌ایم و بعدها ممکن است به سمت اصراح قانون برای بخش خصوصی هم برویم. البته توجه داشته باشید که متأسفانه این مسئله مثل شمشیر دو لبه است و ممکن است با گسترش قوانینی از این دست برای خانم‌های شاغل در بخش خصوصی، کارفرمایان از به کارگیری خانم‌ها اجتناب کنند و بگویند به واسطه چنین قوانینی نیروی کار خانم به درد ما نمی‌خورد، بنابراین باید روی این مسئله فکر کرد و کار را به گونه‌ای پیش برد که ضمن استفاده از مزایای قوانین حمایتی مادران و زنان شاغل در بخش خصوصی، با معایب آن نیز پیشگیری شود.

روش‌های جایگزین حضور؛ به‌طور مثال ایجاد مشاغل نیمه‌وقت، پاروقت یا در نظر گرفتن مشوق‌هایی برای کارفرمایان بخش خصوصی تازه به کارگیری خانم‌هایی که مادر هستند و از قوانین حمایتی استفاده می‌کنند، منصرف نشوند؟

بله، داریم روی این موضوعات کار می‌کنیم. کار نیمه وقت و کار یک سوم وقت.

در بحث توانمندسازی زنان به ویژه زنان سرپرست خانوار چه برنامه‌هایی دارید؟

عمده کار ما در بخش توانمندسازی بانوان است و در این زمینه کار زیادی صورت گرفته‌است.

بله حضور مصدافی در این رابطه چه اقداماتی داشته‌اید؟

به‌طور مثال در روستاهای مختلف به خانم‌ها وام ۵۰ میلیونی با یک ضامن داده می‌شود، در حالی که پیش از این، برای دریافت این وام باید سه ضامن معرفی می‌شد. در سفر اخیر استانی که به خوزستان داشتم، این مسئله را پیگیری کردم، به طوری که در چهار سال گذشته در کل خوزستان یک میلیارد تومان وام داده شده بود، اما تنها در یک ماه گذشته همین میزان وام به خانم‌ها داده شد. رفع محرومیت از جامعه زنان از برنامه‌های معاونت امور زنان است که در این راستا برنامه جامع ما شامل دو برنامه توانمندسازی زنان و آسیب‌زدایی از خانواده‌هاست. تمرکز ما بر اشتغال بانوان سرپرست خانوار است همچنین آسیب‌زدایی از ترمیم و بازسازی کنند. البته ما به سمت جذب جزو دیگر اهداف ما به شمار می‌رود.

برای حمایت از مادران زندانی چه برنامه‌ای دارید؟

گروه تعداد زندانیان زن به نسبت آقایان کم است، اما درصدد آزادسازی زنان زندانی جرائم غیر عمد هستیم که بر همین مبنا ما داریم پویش زنان برای زنان را برگزار کنیم که طی آن زنان خبری که می‌توانند زنان زندانی را آزاد کنند، فعالیت خواهند کرد تا بتوانند بسیاری از آسیب‌ها و مشکلات فرزندان این زندانیان را ترمیم و بازسازی کنند. البته ما به سمت جذب بودجه برای آزادی مصادران زندانی پیش رفته‌ایم و در همین مدت هم تعدادی از زندانیان را آزاد کرده‌ایم.